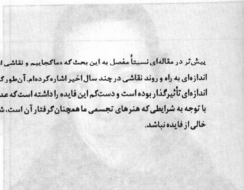


با یک ۶۶ شصت و شش ساله‌اش، این کار را به ۹۵ هفت و پنج سالگی او رساند.
علاوه بر آن، نقاشی‌های او به گونه‌ای طراحی شده که با نگاه کردن به آنها، بیننده به راحتی بتواند به
عالمی که در ذهن او به تصویر کشیده شده است، پیوسته شود. این آثار، با استفاده از رنگ‌های
ساده و خطوط منحنی، فضایی را خلق می‌کند که بیننده را به دنیای او می‌برد.

بیش‌تر در مقاله‌ای نسبتاً مفصل به این بحث که «ما کجا هستیم و نقاشی امروز جهان کجاست» پرداخته‌ام و در هر فرصت، این را اقتضا و ایجاب، تا
اندازه‌ای به راه و روند نقاشی در چند سال اخیر اشاره کرده‌ام. آن‌طور که از این طرف و آن طرف شنیده‌ام و نمونه‌های دیدم، این آثارها تا
اندازه‌ای تأثیرگذار بوده است و دست‌کم این فایده را داشته است که مدعای را به فکر کردن در باره توانایی‌ها و چند و چون هنر خود وادار کند.
با توجه به شرایطی که هنرهای تجسمی ما همچنان گرفتار آن است، شاید باز هم اشاره به دو رویداد اخیر که در واقع منشی از غرور است
خالی از فایده نباشد.



● علی اصغر قره‌باغی

۱. چهره‌نگاری امروز

نمایشگاه‌ها دیدن می‌کنند، نمایانگر اهمیت و اعتبار این شکل نقاشی است. تعداد
نقاشان شرکت‌کننده در نمایشگاه امسال ۱۱۱۳ نفر بود که در سنجش با
شرکت‌کنندگان سال قبل یعنی ۱۰۸۱ نفر، از افزایش نسبتاً چشمگیر حکایت

نابستان امسال گلری برتره ملی انگلستان هفدهمین نمایشگاه سالانه خود را
برقرار کرد و هنوز هم این نمایشگاه ادامه دارد. شمار روز افزون نقاشی که به
نقاشی درست و سنجیده و ماهرانه روی آورده‌اند و تعداد تماشاگرانی که از این

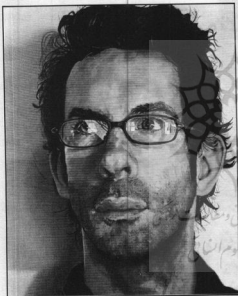


اندرو تیفتمن گفت: «این است که در نقاشی برود، تبدیل شده است به نوعی از بیان، چهره‌ها جانی خود و مفاهیم انسانی را با آن برتره می‌نمایند که

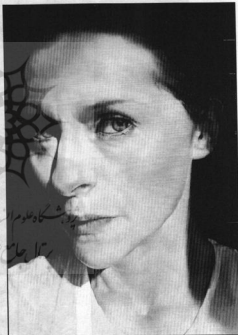
دارد. از میان آثار ازایه شده، ۵۶ برتره برای نمایش انتخاب شده است؛ ۴۴ نفر از برگزیدگانش نامی انگلیسی هستند و بقیه از کشورهای دیگر جهان شرکت کرده‌اند. برندهٔ جایزهٔ اول این نمایشگاه اندرو تیفث، و نقاشی سه لته‌یی او به نام «کیتی» است. اندرو تیفث معتقد است که چهرهٔ انسان‌ها هر لحظه، به ویژه هنگام گفتگو با دیگران تغییر می‌کند و برای نمایش این تغییرات، نقاشی سه‌لته‌یی کارایی بیشتری دارد. مدل اندرو تیفث، کیتی گارمن، نخستین همسر لوسین فروید است. خود فروید هم چندین بار چهرهٔ کیتی را نقاشی کرده است و مشهورترین آن‌ها «دختر با سنگ سقیده» (۱۹۵۰) نام دارد. این دهمین بار است که تیفث در این مسابقه شرکت می‌کند. تیفث به شیوه‌یی واقع‌گرایانه که اندکی بسواد، آموز به نظر می‌آید نقاشی می‌کند و هدف اصلی او برداشتن به دفاع و جزئیات و شباهت برتره به چهره‌یی است که مدل او بوده است. تیفث می‌گوید تا انسان‌ها را هم‌دانه و به ماتوس‌ترین شکلی که در توان اوست تصویر کند. برندهٔ جایزهٔ دوم، رافائل رودریگز کروز از مکزیک است. او در شهر مکزیکو زندگی می‌کند و در همان‌جا در رشتهٔ معماری و نقاشی تحصیل کرده است. برندهٔ جایزهٔ سوم، آنجلا ریلی است که چهرهٔ خودش را نقاشی کرده است. ریلی معتقد است که در نقاشی برتره، حالت چشم‌ها و نحوهٔ نگاه‌کردن نقشی سرنوشت‌ساز دارد.



رافائل رودریگز کروز؛ مدل ۱



بنجامی؛ چهرهٔ مانیو



آنجلا ریلی؛ چهرهٔ خود نقاش



جی دولین، پرترة همسر نقاش

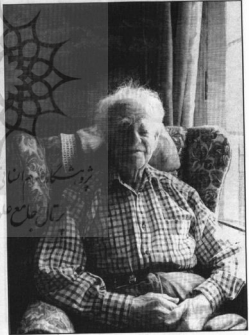
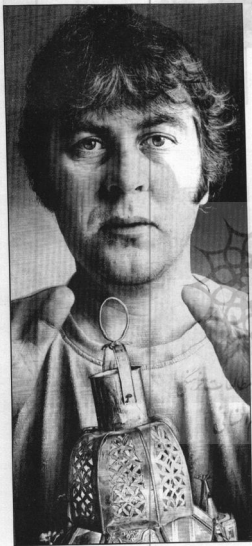
پرترة نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نقاشان و سواص چندانی در مورد ویژگی‌های چهره نداشتند و بیشتر به نمایش منصب و مقام و جایگاه اجتماعی صاحب چهره و لباس و جواهرات او اهمیت می‌دادند. به همین جهت هم هست که شهرت بسیاری از این پرترها بیشتر از نقاشی است که به آن‌ها هستی داده‌اند. آن‌کی بعد دستاوردهای صاحبان چهره‌ها جای ثروت و مقام اجتماعی آن‌ها را گرفت و نقاشان سعی کردند که

از میان آثار ارزنده دیگر این نمایشگاه می‌توان از «چهره ماتیه» اثر بن جامی، «پرترة همسر نقاش» اثر جی دولین، «محموله عجیبه» اثر استغان تالر و «پرترة دکتر و پیره» اثر ریبه کاسمیت نام برد. یکی از وجوه چشمگیر نمایشگاه‌هایی از این‌گونه، آگاهی یافتن از دگرگونی‌های عمده‌یی است که در نقاشی پرترة پدیدار شده است. در گذشته،

شخصیت آن‌ها را هم نمایش دهند. چندی بعد، وجوه روان‌شناختی پرتره اهمیت یافت و یکجند نقاشی بر محور شخصیت مدل چرخید. در این دوران نمایش ارتباط دوسویه میان مدل و نقاش و گه‌گاه کنش‌های میان آن دو به پرتره توفی مضاعف بخشید و آثاری ماندگار نقاشی شد. پرتره را امروز اما، در خدمت و انحصار بزرگان و فرهیزمان نیست البته نباید عجولانه از این حرف استنباط کرد که امروز دیگر بزرگ و فرهیمنی وجود ندارد و وجود دارد و شعار آن‌ها نسبت به گذشته اندک هم نیست، اما ملاک و معیار نقاش برای هنرمندان مدل تغییر کرده است. مدل امروز ممکن است ناشناخته و بی‌پهره از هرگونه پایگاه اجتماعی باشد، اما این همه چیزی از اهمیت او به عنوان مدل کم نمی‌کند. امروز نقاش و این‌که پرتره چگونه نقاشی شده اهمیت دارد نه صاحب چهره محل تردید نیست که چهره‌نگاری امروز راه خود را یافته است و در مسیری درست حرکت می‌کند. پرتره امروز نعتها چهره مدل، بلکه بیرون و درون او و نقاش را به‌طور همزمان محاسن می‌دهد. در اکثر موارد تعاشق‌گری که پرتره را تعاشق می‌کند هیچ چیز درباره مدل نمی‌داند، مگر آن‌چه نقاش تصویر کرده و در برلب او نهاده است. ممکن است هنوز هم عده‌ای طوطی‌وار همان مقوله کهنه و نیش‌خنده دوربین عکاسی را پیش بکشند و بنا را نه بر تعقل و منطق تجسمی، که بر توجیه عدم مهارت و حراست از ناتوانی‌های خود بگذارند. این قضیه سری دراز دارد، مربوط به دهه‌های اول قرن بیستم است و بحث از آن دیگر ملال‌آور شده است. این‌جا همین‌قدر بایسته گفت که نقاشی پرتره، حتی اثر از روی عکس انجام شده باشد

نشان‌دهنده یک رابطه طولانی میان نقاش و مدل است، حال آن‌که عکس از ثبت یک لحظه خاص حکایت دارد. تعاشق‌گری که این نکته را درنیابد، در واقع ارزش پرتره را به‌جا نیاورده و کار را در کل درنیافته است. به بیان دیگر عکاسی و نقلی هرکدام ویژگی‌های رسانه‌ی خود را دارند.



استفان تالر: مجموعه عجیب

ریه کا اسمیت: پرتره دکتر و پیر